



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ خرداد ۱۴۰۲

مصادف با: ۸ ذی القعدة ۱۴۴۴

موضوع کلی: فقه رمز ارزها
موضوع جزئی: بررسی فقهی - ۲. معامله رمز ارز - اشکال دوازدهم: ظلم - بررسی اشکال دوازدهم -

اشکال سیزدهم: قمار - بررسی اشکال سیزدهم

جلسه: ۴۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اشکال دوازدهم: ظلم

یکی دیگر از اشکالات و شبهاتی که نسبت به معامله رمز ارزها ممکن است مطرح شود و چه بسا در بعضی نوشته‌جات مطرح شده، این است که این کار مصداق ظلم است، چون موجب تضییع حقوق خود و افراد دیگر به نحو فردی یا تضییع حقوق عامه است. ظلم هم در واقع تضییع حقوق و اموال دیگران و تعدی به حق و مال دیگران، چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی است. ظلم در مقابل عدل می‌تواند فردی باشد یا اجتماعی؛ ما عدالت نسبت به افراد داریم و عدالت نسبت به جامعه. ظلم هم می‌تواند نسبت به اشخاص واقع شود یا نسبت به اجتماع. بنابراین از آنجا که هر کاری که به نوعی موجب تضییع حق فردی دیگران یا حق اجتماع شود، یا مال دیگران را ضایع کند و یا اموال عمومی را به نوعی تضییع کند، ظلم محسوب می‌شود؛ و معامله رمز ارزها چنین نتیجه‌ای دارد، چنانچه با رمز ارز معامله صورت بگیرد، این معامله ظلم و باعث تضییع حقوق فردی و اجتماعی است؛ ظلم هم که حرام است، پس معامله رمز ارز هم حرام می‌شود.

کبری بحثی ندارد؛ قبح عقلی ظلم و حرمت شرعی آن جای هیچ‌گونه تردید و ابهامی ندارد. عمده این است که چگونه رمز ارزها می‌توانند باعث تضییع حقوق دیگران شوند؟ در بیان صغرای این قیاس، وجوه و تعابیر مختلفی به کار رفته است. گاهی گفته می‌شود رمز ارز از آنجا که در اختیار افراد خاصی است و تنها یک عده می‌توانند از آن استفاده کنند، موجب شکل‌گیری طبقات و فقر بیشتر یک عده، و ثروتمندتر شدن عده دیگری شود. این تعدی به حقوق اجتماع است. اینکه مثلاً تنها کسانی می‌توانند وارد این عملیات شوند که سرمایه‌های هنگفتی داشته باشند، مخصوصاً از این به بعد که تعداد رمز ارزها و مخصوصاً برخی از آنها محدود و رو به کاهش است، کار استخراج آنها پیچیده‌تر شده و لذا نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای بدست آوردن رمز ارز است؛ و این طبیعتاً به سمتی می‌رود که عده خاصی از عهده این کار بریبایند و دیگران نتوانند و این خود موجب تضییع حقوق عامه مردم است. یا مثلاً ورود رمز ارزها به نظام اقتصادی سبب کاهش ارزش پول یک کشور می‌شود و این کاهش ارزش پول، ظلم به مردم محسوب می‌شود. به هر حال وجوه مختلفی برای اینکه کار با رمز ارزها را مصداق ظلم و تضییع حقوق اجتماع قرار بدهند، بیان شده است.

نسبت به خود شخص هم بالاخره این تضییع ممکن است صورت بگیرد؛ اینکه یک شخصی اموال خودش را تبدیل به رمز ارز کند و بعد به یکباره آنها از بین برود، این هم نوعی ظلم به خویشان است؛ تضییع حقوق و اموال خود انسان هم جایز نیست. بعضی آثار سوء دیگری هم برای این مسأله ذکر شده است؛ خروج سرمایه از کشور، آسیب‌هایی که از رهگذر اشاعه رمز ارزها به نظام اقتصادی کشور وارد می‌شود، این در مجموع موجب تضییع اموال و حقوق جامعه است. یا مثلاً گفته‌اند عدالت اقتصادی

و اجتماعی که بر مبنای توزیع عادلانه ثروت و حقوق اجتماعی استوار است، با ورود رمز ارزها به هم می‌خورد و دیگر امکان توزیع عادلانه ثروت وجود ندارد؛ یعنی توزیع صورت می‌گیرد ولی یک توزیع ناعادلانه و این سبب تحصیل ثروت‌های بادآورده می‌شود که این خودش مفاسدی به دنبال دارد و چه ظلمی از این بالاتر که در یک جامعه، نظام توزیع ثروت عادلانه نباشد؛ چه ظلمی از این بالاتر که عده‌ای بتوانند ثروت‌های بادآورده کسب کنند و یک عده‌ای در تأمین مایحتاج اولیه خود دچار مشکل باشند.

لذا با توجه به این ثمرات و آثار و نتایج، هر گونه کار کردن با رمز ارزها به نوعی مصداق ظلم و تضییع حقوق و اموال دیگران است و ظلم هم که حرام است؛ پس این جایز نیست. این خلاصه استدلالی است که در این مقام و مجال مطرح شده است.

بررسی اشکال دوازدهم

این شبهه و اشکال هم مردود است؛ همانطور که کراراً گفته شد، مسأله رمز ارز در واقع یک مسأله چند وجهی است؛ برخی از این وجوه یا عامدانه و از روی قصد یا ناخواسته، ذیل چند عنوان قرار داده شده است؛ در حالی که اینجا باید دقت کرد که عنوانی که برای حکم حرمت اتخاذ می‌شود، چه عنوانی است. یکبار می‌گویند این موجب خروج سرمایه از کشور است، یا موجب کسب ثروت‌های بادآورده برای برخی است؛ یا باعث کاهش ارزش پول ملی می‌شود. اینها هر کدام باید به دقت عنوان فوقانی اینها معلوم شود. بعضی از این اموری که برای اثبات صغری بیان شد، اینها ذیل عنوان اختلال نظام قرار می‌گیرد و نه عنوان ظلم. برخی از اینها ممکن است مخالفت با نظام سیاسی و حاکمیت و دولت اسلامی قلمداد شود. لذا باید توجه کرد که دقیقاً ثمرات و آثار سوئی که برای معامله رمز ارز ذکر می‌شود، تحت چه عنوان کلی قرار می‌گیرد.

این مواردی که مستشکل بیان کرد، بعضاً می‌تواند تحت عنوان ظلم بررسی شود، اما لزوماً ظلم نیست. با توجه به نکته‌ای که عرض کردیم، در رد این شبهه می‌توانیم بگوییم اغلب این ثمرات و آثاری که گفته شد، مصداق ظلم نیست. یا اگر هم مصداق ظلم است، به واسطه خصوص این نوع از ابزار و وسایل مبادله نیست؛ کاهش ارزش پول ملی به ده‌ها عامل بستگی دارد. درست است ما می‌توانیم بگوییم کاری که باعث شود ارزش پول مردم پایین بیاید، این ظلم به مردم است، چون باعث تضییع حقوق مردم و اموال مردم است. فرق نمی‌کند یک شخص یا یک دولت، اگر یک سیاستی را پیش بگیرد که باعث کاهش ارزش دارایی‌ها و اموال آنها شود و اختیاراً این سیاست را اتخاذ کند، این ظلم است. ظلم فقط این نیست که کسی دیگری را بزند یا مثلاً او را مورد تعرض قرار بدهد؛ ظلم هر نوع تضییع مال و حق دیگران است. لذا اگر حاکمیتی اختیاراً و از روی عمد یا غیرعمد چنین کاری را مرتکب شود، مرتکب حرام شده و ضامن است. بله، یک وقت شرایط اضطراری پیش می‌آید، در شرایط اضطراری اموری اجتناب‌ناپذیرند و واقعاً از عهده خارج است، این بحث دیگری است؛ و الا در شرایط عادی این حتماً ضمانت را به دنبال دارد و کسی که مسبب چنین وضعیتی باشد، ضامن است. این مصداق ظلم هست، لکن باید ببینیم تأثیر رمز ارز در این مسأله چقدر است؛ کاهش ارزش پول ملی به عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی بستگی دارد. خود رمز ارز و معامله با آن و بر آن، فی حد نفسه و به خودی خود آیا موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شود؟ قطعاً اینطور نیست. در بسیاری از کشورها رمز ارزها به رسمیت شناخته شده‌اند و با آن معامله صورت می‌گیرد، اما باعث کاهش ارزش پول ملی آنها نشده است. به علاوه، آن خطرات و آثار سوء با اتخاذ برخی سیاست‌ها و قوانین و مقررات قابل پیشگیری است؛ اینطور

نیست که طبع معامله رمز ارز مقتضی کاهش ارزش پول ملی باشد یا آن آثار سوء را به دنبال داشته باشد.

پس در برخی موارد اساساً رمز ارزها مستلزم تضييع حقوق ديگران نيستند و برخي از اين آثاري كه نام برده شد، مصداق ظلم محسوب نمي‌شوند؛ خروج سرمايه از کشور، به حکم اولی و به خودی خود ظلم در حق ديگران نيست. يك كسي مي‌خواهد مال خودش را در يك جايي استفاده كند، عنوان ثانوي و حکم حكومتي و وضعيت حاكميت را فعلاً کنار مي‌گذاريم، اين چه ظلمي در حق ديگران است؟ يك كسي مي‌خواهد مالش را در يك امري سرمايه‌گذاري كند. شرايط خاص را هم در نظر نداريم؛ همانطور كه الان بسياري از مردم براي حفظ ارزش سرمايه‌ها و دارايي‌هاي خود آن را تبديل به بعضي از اقلام ديگر و كالاهاي ديگر يا پول‌هاي ديگر مي‌كنند، ممكن است كسي با رمز ارز اين كار را انجام بدهد. اگر مثلاً چنين كاري صورت بگيرد، اين موجب تضييع حق ديگران است؟ باز هم تأكيد مي‌كنم كه به مسأله اخلال در نظام اقتصادي و هرج و مرج و پيچيده شدن شرايط كاري نداريم؛ في نفسه بررسي مي‌كنيم. اين مصداق ظلم نيست. اگر هم بستر براي ظلم را فراهم كند، اين قابل پيشگيري است با تصويب مقررات و قوانيني كه راه اين سوء استفاده‌ها را ببندد.

پس اينكه معامله رمز ارزها ظلم به ديگران و ظلم به جامعه است، اين قابل اثبات نيست و بر فرض هم چنين زمينه‌اي را بتواند فراهم كند، قابل پيشگيري است.

اما مسأله ثروت‌هاي بادآورده و ايجاد فاصله طبقاتي، اين هم معلول سياست‌هاي كلان و برنامه‌ريزي امور مملكت است؛ الان مگر اين ثروت‌هاي بادآورده با سرمايه‌گذاري در ارزهاي خارجي و پول‌هاي فزيكي نصيب يك عده نمي‌شود؟ الان مگر تصميمات خاص و لحظه‌اي و رانت‌هايي كه گاهي برنامه‌ريزي شده براي عده‌اي فراهم مي‌شود، ثروت‌هاي كلان بادآورده براي عده‌اي فراهم نكرده است؟ الان با همين طلا و ارز و مسكن و امثال اينها، مگر يك عده‌اي ثروت‌هاي بادآورده كسب نكرده‌اند و يك جمع زيادي در فقر خودشان بيشتتر فرو رفته‌اند. اگر پاي اين امور پيش بيايد، به عنوان ديگري همه آن موارد داراي اشكال مي‌شود؛ رمز ارز اينجا خصوصيتي ندارد و اتفاقاً اگر هر چه بيشتتر شفاف شود و قوانين مربوطه تصويب شود و تحت نظارت قرار بگيرد و به رسميت شناخته شود، بسياري از اين آثار سوء قابل تقليل است و مي‌شود آنها را کاهش داد.

لذا اين مشكل از منظر تضييع حقوق ديگران، به نظر مي‌رسد قابل قبول نيست. بله، برخي از وجوهي كه در تشبيت صغري گفته شد، اساساً ربطي به مسأله ظلم ندارد؛ آنها ممكن است از جهات ديگري مشكل توليد كنند. خروج سرمايه از کشور يك عنوان ديگري مي‌توانيم براي آن در نظر بگيريم و آن را مثلاً تحت عنوان اختلال نظام قرار بدهيم. اين بحث ديگري است؛ اما اغلب اين مواردی كه به عنوان آثار سوء ذكر شد، اينها به نظر مي‌رسد نمي‌تواند اثبات كند كه رمز ارز به خودی خود موجب تضييع حقوق فردي و اجتماعي مي‌شود و ظلم محسوب مي‌شود. اگر صغري منهدم شود، ديگر استدلال كارآيي ندارد.

سؤال:

استاد: الان ارزش پول ملي اينقدر پايين آمده، به خاطر رمز ارز است؟ اگر اين به حسب ذاتها باعث کاهش ارزش پول ملي مي‌شود، اين همه كشورهايي كه دارند با رمز ارز كار مي‌كنند و رسميت پيدا كرده و ارزش پول آنها بالاتر رفته است. قبلاً موضع كشورها را در رابطه با اين امر بيان كرديم؛ سه دسته كرديم: موضع نفي، موضع اثبات، موضع سكوت؛ كه ايران جزء دسته سوم بود. اما برخي از كشورهاي مهم دنيا، كشورهاي پيشرفته، اين را به رسميت شناخته و حتي ماليات بر اين قرار

داده‌اند و ارزش پول آنها پایین نیامده است. اگر تحلیل درست صورت بگیرد، این مطالب این چنین بیان نمی‌شود.

اشکال سیزدهم: قمار

اشکال دیگر، مسأله قمار است. ما در بحث از استخراج رمز ارزها یکی از شبهات وارده بر استخراج رمز ارز را مسأله قمار دانستیم؛ گفتیم به نظر برخی از عالمان اهل سنت و همچنین برخی نویسندگان شیعه، استخراج رمز ارز قمار است. اگر به خاطر داشته باشید، آنجا گفتیم بعضی‌ها می‌گویند ورود در عرصه استخراج رمز ارز در واقع مبتنی بر شانس است؛ ممکن است نتیجه بدهد و ممکن است نتیجه ندهد، و این یکی از خصوصیات قمار است؛ چون در قمار هم کسی یک پولی می‌دهد، ممکن است چیزی نصیب او بشود و ممکن است چیزی نصیب او نشود. یا مثلاً گفته‌اند دارد یک پولی را می‌دهد و در مقابلش یک چیزی می‌گیرد که بسیار ارزش بیشتری دارد و این قمار است، این اکل مال به باطل است. ما مفصل در این باره سخن گفتیم.

چه بسا کسی ادعا کند که معامله رمز ارز هم قمار محسوب می‌شود؛ کسی که پولی می‌دهد و رمز ارز می‌خرد در حقیقت دارد قمار می‌کند؛ یک پولی را پرداخت می‌کند و در مقابل، چیزی را می‌گیرد که ممکن است ارزش بالایی داشته باشد در آن شرایط، ولی یک دفعه ارزش آن خیلی بیشتر می‌شود. در مورد معامله رمز ارز، اگر بپذیریم این قمار است و قمار هم حرام است، قهراً نتیجه این است که معامله رمز ارز هم حرام است.

بررسی اشکال سیزدهم

کبری البته با صرف نظر از اختلافی که در معنای قمار وجود دارد و اینکه عناصر مقوم قمار چیست، فی الجمله بحثی ندارد. اما در معنای قمار اختلاف است؛ فقها هر کدام یک خصوصیتی برای قمار ذکر کرده‌اند؛ بعضی آنقدر دایره را وسیع دانسته‌اند، مثل محقق اردبیلی که هر گونه بازی با آلات رایج قمار را، قمار می‌داند ولو در آن چیزی گرو نباشد، پولی در کار نباشد. اما برخی یک گام فراتر گذاشته‌اند و گفته‌اند قمار عبارت است از بازی با آلات قمار که چیزی در این بین به عنوان گرو قرار بگیرد، ما به برخی از فتاوا در این باره اشاره کردیم؛ می‌گویند اگر گرو در کار نباشد، این قمار نیست. امام مثلاً فرموده بودند که قدر متیقن از قمار، بازی با آلات قمار است، به شرط اینکه پای گرو در میان باشد؛ اگر وثیقه و گرو نباشد، در بعضی موارد قمار هست ولی در بعضی موارد قمار نیست. علی‌رغم اختلاف در معنای قمار نزد فقها، اما فی الجمله در اصل حرمت آن تردیدی نیست. عرض کردم اگر ما موضوع را موسع بدانیم، طبیعتاً دایره حکم هم توسعه پیدا می‌کند؛ اگر موضوع موسع نباشد، دایره حکم مضیق می‌شود.

إنما الکلام در صغری که واقعاً معامله بر رمز ارز قمار محسوب می‌شود؟ ما در مورد استخراج گفتیم قمار نیست؛ در استخراج تصویر قمار ممکن بود، هر چند ما تطبیق قمار بر استخراج را نفی کردیم. آنجا یک عده‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنند و شبکه‌ای درست می‌کنند که پولی نصیب آنها شود و پولی تولید شود؛ آن را ما شرح دادیم و گفتیم آن هم اصلاً قمار نیست. گفتیم آنجا در واقع کسی که پولی می‌گذارد و سرمایه‌ای را صرف می‌کند برای حل یک معما و حل معما معادل با اخذ جایزه و پاداش است. آنجا نفی کردیم؛ اینجا می‌خواهیم عرض کنیم که اساساً تصویر قمار ممکن نیست؛ در معامله ما با یک مشکل مهم‌تر مواجه هستیم و آن اینکه چگونه می‌خواهیم قمار را در معامله تصویر کنیم؟ چون اینجا بحث خرید و فروش است؛ کسی رمز ارز می‌خرد یا کسی رمز ارز را می‌فروشد؛ ممکن است کسی در این خرید و فروش به سبب برخی عناوین دیگر اشکال کند، مثلاً بگوید این چیزی نیست به واسطه عدم ضمانت، عدم اعتبار و لذا اکل مال در مقابل آن اکل مال به باطل است؛ اما مسأله

قمار اینجا اصلاً موضوعاً قابل تطبیق نیست. چگونه می‌خواهیم این را به عنوان قمار تصویر کنیم؟ کسانی که نوعاً مسأله قمار را مطرح کرده‌اند، نسبت به استخراج رمز ارز آن را به عنوان یک شبهه ذکر کرده‌اند، اما نسبت به معامله رمز ارز، واقع این است که اصلاً تصویر قمار و تطبیق آن، صحیح نیست و ممکن نیست. پس این شبهه و اشکال هم وارد نیست.

«والحمد لله رب العالمین»